**نامه ای از امین الدوله به امین الدوله**

**محبوبی اردکانی، حسین**

در میان مجموعهء پرارزش اسناد و مدارک خاندان امین الدولهء غفاری که اکنون‏ متعلق به مخدوم مکرم محترم آقای حسنعلی غفاری معاون الدوله است،نامه‏ای‏ است که نه تاریخ دارد نه مهر و امضاء ولی به خطی است بسیار بسیار شبیه به‏ خط حاج میرزا علی خان امین الدوله که شاید نتوان نسبت به آن تردید روا داشت.این نامه چون اشارتی دربارهء وقایع بعد از عزل میرزا آقا خان نوری‏ و روابط بین فرخ خان و میرزا علی خان امین الدوله دارد با اجازهء مخدومی‏ آقای غفاری در معرض مطالعهء علاقه‏مندان به تاریخ ایران گذارده می‏شود.

امید است که قابل استفاده باشد و بهرصورت از جناب آقای غفاری کمال سپاسگذاری‏ حاصل است.

حسین محبوبی اردکانی

قربانت شوم پریروز در مجلس از فدوی سربسته مستفسر شدند که حال‏ خیال تو چیست.عرض کرد بودن در طهران و به هر نحو که فرمایش جناب جلالتمآب‏ روحی فداه باشد.دیگر مجال نشد که مفصل عرایض خود را به عرض برساند بآن‏ جهت لازم دانست این عریضه را معروض دارد که جنابعالی را به خدای لایزال قسم می‏دهد از زمانی که در وضع امور تغییر بهم رسید1چه آن وقتیکه می‏خواستند به کاشان‏ تشریف ببرند2و چه در مراجعت از آنجا هروقت از فدوی در این خصوصها استفساری فرموده‏اند به جز این فقره عرض نموده که من بعد نمی‏خواهد به جز حالت‏ نوکری جناب جلالتمآب بستگی به احدی بهم برساند زیرا که از این به بعد اینقدر عمر کجاست در شش هفت سال بکسی خدمت بشود و آن صاحب کار هم مثل جنابعالی‏ رؤف باشد تا چنین حالتی بهم برسد.بعد اینطور اتفاق افتاد که در غیاب جناب عالی‏ (1)اشاره است به غزل میرزا آقا خان نوری و تعیین وزرای شش‏گانه و انتصاب میرزا محمد خان سپهسالار بصدارت عظمی و عزل او که میان سپهسالار و فرخ خان رقابت بوده است‏ و اوضاع دربار پریشان.

(2)اشاره است به دورهء تبعید فرخ خان به کاشان در اثر مخالفت میرزا محمد خان سپهسالار صدر اعظم بعد از میرزا آقا خان نوری با او و برادرش میرزا هاشم خان.

این دو کار پیش آمد و از عدم تجربه خدای لا شریک له عمدهء منظور این بود که سر خود را طوری نگاه دارد تا ببیند عاقبت امر جناب جلالتمآب به کجا منجر می‏گردد و بستگی بکسی‏ هم نخواهد بود اقدام نمود و فقرهء اخیر در میان بود که جناب بندگان عالی تشریف‏ آوردند و باطنا میل قلبی جنابعالی را استفسار کرد و اطمینان از مرحمتی خود دادند و اقدام به آن را به این‏طور اجازه دادند که آذربایجان فرنگستان نیست برو چهار روزی‏ سرخود را نگاهدار3هر ساعتی که برای ما گشایش شد و بدانم باقل‏گذران امر تو از نوکری من خواهد گذشت احضارت می‏کنم آن بود که مطمئن شده رفتم.حال هم‏ که مراجعت شده است به امیدواری مرحمت جناب جلالتمآب و همان فرمایشات می‏باشد و نوکری جناب جلالتمآب روحی فداه را بر کارهای خیلی عمده ترجیح می‏دهد زیرا که همان رأفت و مرحمت جنابعالی به دولت دنیا رجحان خواهد داشت و برای‏ فدوی بعد از شش هفت سال نوکری جنابعالی چگونه می‏تواند ملجاء و پناهی داشته‏ باشد و گویا انصاف و مرحمت جلالتمآب هم متقضی این نخواهد بود که نوکری را که شش‏ هفت سال تربیت فرمودند و فدوی هم جانها کند تا مطابق سلیقه و طبع سلیم جنابعالی‏ بار آمد از خدمت امروز دور و مهجور باشد در حالتی که بجز صداقت چیزی مشاهده‏ نفرموده باشند.از عهدهء خدمت هم می‏دانند که بهتر از همه‏کس برمی‏آید از رشته‏های‏ امور یکی او را مخصوص فرمایند که به آن بپردازند ولی عمدهء مقصود فدوی این است که نوعی‏ مطمئن شود که در حالت مرحمت جناب جلالتمآب چنانچه قبل از سفر تبریز می‏فرمودند نیز (3)اشاره است به آشفتگی اوضاع دربار بخصوص از لحاظ دسته‏بندیهای درباری و افول ستاره بخت و اقبال خاندان نوری و بستگان آن.

تاریخ تقریبی نامه باید پایان سال 1282 یا اوایل سال 1283 باشد که تازه فرخ خان‏ بوزارت دربار رسیده بود و نویسنده یعنی میرزا علی خان امین الدوله بیست و سه ساله و از منشیان جوان دربار بود.و در این سن و سال اگر خود را بحمایت وزیر دربار میگرفت بر او عیبی و ایرادی نبود علی الخصوص که بسوابق شش هفت ساله خدمت خود در زیر نظر فرخ خان‏ هم اشاره‏ای مینماید.امین الدوله در پانزده سالگی منشی وزارت امور خارجه شد و در هجده سالگی منشی مخصوص ناصر الدین شاه و در نوزده یا بیست سالگی نایب وزارت امور خارجه و چون فرخ خان در حقیقت شخص اول دربار و همه‏کاره دولت بوده است از اینرو میرزا علی خان باینصورت باو نامه نوشته است.